

# شبان

مؤسسه «تعلیم» تقدیم می‌کند: TALIM Ministries

## مجله شبان

شماره ۲، سال اول، مارس ۲۰۰۰  
مجله دو-ماهه مخصوص شبانان و خادمین،  
به منظور تشویق، تعلیم، و تجهیز ایشان.

## خادم و خصائل مسیحی

### از ت استیوارت

است. در رابطه زن و شوهر اگر اعتماد حاکم نباشد، دوستی و صمیمیتی وجود نخواهد داشت. در بین اعضای کلیسا اگر اعتماد حاکم نباشد، رابطه و مشارکتی واقعی و همکاری وجود نخواهد داشت. اعتماد را باید ایجاد کرد. اما پیش از آنکه ببینیم چه عواملی آن را ایجاد می‌کنند، خوب است بدانیم چه عواملی آن را ویران می‌سازند.

اگر از خود می‌پرسید که چرا دیگران به شما اعتماد نمی‌کنند یا نمی‌خواهند با شما کار کنند یا مایل نیستند مسائل شخصی خود را با شما در میان بگذارند، به نکاتی که باعث ویرانی اعتماد می‌شود، توجه کنید:

- آیا به قول و وعده خود عمل کرده‌اید؟ اگر به کسی قول بدهید که کاری برایش انجام دهید، ولی به قول خود وفا نکنید، اعتماد او را از دست می‌دهید.
  - آیا به کسی قولی داده‌اید که وفا به آن برایتان مقدور نیست، اما فقط برای این قول داده‌اید که او فکر کند که شما مایلید به او کمک کنید؟ شما با این کار، توقعاتی در شخص به وجود آورده‌اید؛ کلام خدا می‌فرماید که عمل نکردن به قول و قرار، قلب طرف مقابل را می‌شکند.
  - آیا اسرار محرمانه افراد را به دیگران بازگو کرده‌اید؟ اگر چنین کرده‌اید، اعتماد آنها را از دست داده‌اید.
  - آیا با بی‌اعتبار کردن سایر ایمانداران و با بازگو کردن نکات منفی در باره ایشان، سعی کرده‌اید خود را در قلب دیگران جای دهید؟
- اگر به یکی از طرق بالا رفتار می‌کنید، اطمینان داشته باشید که خیلی زود اعتماد مردم را از دست خواهید داد؛ و اگر ایشان به (دنباله در صفحه ۷)

«لهمذا دروغ را ترک کرده، هر کس با همسایه خود راست بگوید زیرا که ما اعضای یکدیگریم» (افسیسیان ۴: ۲۵).

انسان خصائل و خصوصیات رفتاری واقعی خود را در مواقعی نمایان می‌سازد که تحت فشار قرار می‌گیرد. از اینرو است که کلام خدا در باره اهمیت مراقبت از حالت قلبی (امثال ۴: ۲۳)، و داشتن دلی پاک (متی ۵: ۸) تعلیم می‌دهد. خصائل ما نشان‌دهنده اصالت و خلوص ایمان ماست؛ اطرافیان ما بر اساس خصوصیات خوب رفتاری ماست که به ما اعتماد می‌کنند (رومیان ۵: ۳-۴). خصائل مسیح‌گونه یک شبهه در انسان شکل نمی‌گیرد؛ زمان لازم است تا این خصائل را در خود بپروریم؛ لازم است که به عیسی، آن پیشوا و کامل‌کننده ایمان چشم بدوزیم؛ لازم است که در اطاعت از احکام او سلوک نماییم (دوم قرنتیان ۳: ۱۸).

خصائل نیکو برای خدمت شبانی امری حیاتی است، چرا که مهر تأییدی است بر پیام ما، و وسیله‌ای است برای جذب دیگران به سوی این پیام حیات‌بخش. زندگی وقف‌شده ما به خدا باید عطر خوش‌بوی مسیح باشد. اگر مردم نتوانند به ما اعتماد کنند، به پیاممان نیز اعتماد نخواهند کرد.

یکی از مهم‌ترین خصائل مسیح‌گونه که بنیاد اعتماد است، راستی و درستی است. راستی یعنی به دست آوردن اعتماد ایمانداران از طریق بیان دقیق وقایع و حقایق. بدون راستی و درستی، اعتماد به وجود نمی‌آید؛ و بدون اعتماد هم رابطه به وجود نمی‌آید. یک شبان باید مشتاق راستی باشد؛ او باید راستی و حقیقت را با محبت بیان کند؛ او باید دائماً در پرتو راستی و درستی زندگی کند، وگرنه خدمتش محکوم به فناست.

تمام دوستیها و تمام روابط انسانها بر شالوده اعتماد استوار

# سرسخن

دوستان عزیز در مسیح،

این سطور را با درودهایی گرم و با قلبی پر از حمد خدا و شکرگزاری برای شما و خدمتتان می نویسم. دعای صمیمانه من این است که هر جا که باشید، با اطاعت از کلام خدا و با قدرت روح القدس، سرگرم خدمت او باشید.

هدف ما از انتشار مجله شَبان، تشویق شما خادمین گرامی به رشد در خصائل مورد نیاز برای هر خادم، و تجهیز شما به دانش و مهارت های لازم برای خدمت می باشد. شماره نخست شَبان برای بیش از ۹۰ رهبر ایرانی در نقاط مختلف جهان ارسال شد؛ واکنشهای مثبتی که از بسیاری دریافت داشتیم، دلگرم کننده بود. یکی از شبانان در نامه خود به مجله، چنین نوشت: «وقتی مجله شبان به دستم رسید، آنقدر هیجان زده شدم که تمام آن را در یک نشست خواندم.» خادمی دیگر نوشت: «مجله شبان باعث شد که خودم را در خدمت تنها احساس نکنم.»

در این شماره، مقالاتی را برای تشویق و تجهیز شما در نظر گرفته ایم. از این شماره، یک سلسله مقاله در زمینه خصائل مسیحی خادم را آغاز می کنیم. همچنین یک مجموعه مقاله در مورد علم تفسیر کتاب مقدس منتشر خواهیم نمود. از شماره آینده نیز به فیض خدا، مجموعه ای را در زمینه نحوه رهبری کلیسا شروع خواهیم کرد.

اگر نشانی شما تغییر کرده، لطفاً به ما اطلاع دهید تا وقفه ای در دریافت آن پیش نیاید. اگر مایلید تمام یا بخشی از این مجله را کپی کنید و به افرادی که صلاح می دانید بدهید یا به نوعی در خدمتتان به کار ببرید، این کار از نظر دفتر مجله اشکالی ندارد.

مجله شبان به صورت رایگان برای شما ارسال می شود؛ اما اگر مایلید هدیه ای در جهت کمک به انتشار و ارسال آن بفرمایید، می توانید هدایای خود را به صورت چک به نشانی مجله ارسال بفرمایید. چک ارسالی باید به این نام باشد:

TALIM Ministries for Shaban Magazine

دعای ما این است که این شماره از مجله شبان با قلب شما صحبت کند و شما را برای خدمت به خدا مجهزتر سازد.

تت استیوارت

سر دبیر

مطالب این شماره:

- خادم و خصائل مسیحی  
نوشته تت استیوارت ص ۱
- خادم و تفسیر کتاب مقدس  
نوشته آرمان رشدی ص ۳
- «وقت را دریابید»  
نوشته فریبرز نیکوروش ص ۵
- طرح کلی برای تهیه موعظه  
نوشته تت استیوارت ص ۷

مجله شَبان

مدیر و سردبیر:

کشیش تت استیوارت

دفتر مجله:

TALIM MINISTRIES, Inc.  
1740 S. Buckley Rd,  
#6-265  
Aurora, Colorado 80017  
U.S.A.

Tel: +1-303-873 66 11  
Fax: +1-303-873 62 16

شبانان و خادمینی که این مجله را دریافت

می دارند، می توانند نام و نشانی سایر

خادمینی را که این مجله به دستشان

نمی رسد، به دفتر مجله بفرستند تا مجله

برای ایشان نیز ارسال گردد.

# خادم و تفسیر کتابمقدس

بخش نخست: نیاز به علم تفسیر

نوشته آرمان رشدی

## ابزاری بسیار مهم

خادمین خدا باید به چند ابزار مهم مجهز باشند تا بتوانند خدمت مؤثری برای ملکوت خدا انجام دهند. یکی از مهم‌ترین این ابزار، روش تفسیر درست کتابمقدس می‌باشد. بسیاری از اشکالاتی که در میان اعضای یک کلیسا پیش می‌آید، و نیز بسیاری از اختلافاتی که در میان کلیساهای مختلف بروز می‌کند، ناشی از تفسیر و برداشت نادرست یا لااقل تفسیری متفاوت از کلام خداست. از اینرو، بسیار حیاتی است که خادمین خدا با اصول تفسیر کتابمقدس آشنایی بیابند و آن را در مهم‌ترین بخش از خدمت خود، یعنی موعظه و تعلیم کلام، به کار ببرند.

نخست لازم است بدانیم که «تفسیر کتابمقدس» یعنی چه.

اما این متن، امروز هم برای ما کاربردی دارد. روح القدس که الهام‌کننده این نوشته‌های مقدس می‌باشد، اراده فرموده که امروز نیز از طریق همین نوشته‌های الهامی با ما سخن گوید و اراده خدا را آشکار سازد. کشف پیامی که متن مورد نظر برای ما و شرایط امروزی ما دارد، گام دیگری است از تفسیر که معمولاً آن را «تعبیر» یا کاربرد می‌نامند. اما برای تعیین تعبیر یا کاربرد متن مورد نظر، باید ابتدا حتماً معنی الیه متن را پیدا کنیم. تعبیر درست آن است که بر تأویل درست استوار باشد. اختلافاتی که میان کلیساهای پیش می‌آید اکثراً به خاطر این است که تعبیری که برای امروز می‌شود، بر تأویلی درست و راسخ استوار نیست.

## تأویل و تعبیر

به این ترتیب، تفسیر کتابمقدس از دو گام اساسی تشکیل می‌شود؛ گام نخست، تأویل است، یعنی کشف معنایی است که نویسنده تحت الهام روح القدس، در آن زمان برای مخاطبین اولیه خود در نظر داشته. گام دوم، تعبیر است، یعنی درک پیامی که امروز روح القدس از همان متن الهامی برای شرایط و نیازهای امروزی ما دارد.

## آیا واقعاً به

## علم تفسیر نیاز داریم؟

اما بعضی ممکن است بگویند: «ما نیازی

## علم تفسیر چیست

تفسیر کتابمقدس یعنی پیدا کردن معنی اولیه آیات، آنطور که مقصود نویسنده بوده و آنطور که مخاطبین اولیه درک می‌کرده‌اند. برای مثال، اگر پولس رسول تعلیمی به کلیسای قرنتس، یا کلیسای روم می‌دهد، در وهله اول نیاز آنان را به یک اصل اعتقادی یا عملی خاص مد نظر داشته است. برای تفسیر کتابمقدس، نخست باید ببینیم متن مورد نظر در آن زمان چه معنایی می‌داده است. در تفسیر کلام خدا، کشف معنای اولیه متن را اصطلاحاً «تأویل» می‌نامیم، یعنی «بازگرداندن به اول».

به آموختن علم تفسیر نداریم! اینها همه تلاشهای انسانی است. روح القدس خودش معنی کلام را برای ما مکشوف می‌کند.» این گفته بسیار قابل احترام است؛ شکی نیست که روح القدس در کشف کلام خدا نقشی حیاتی دارد. اما اگر برای کشف معنی کلام خدا، فقط به هدایت‌ها و مکاشفات شخصی متکی باشیم، بعد از مدتی متوجه یک اشکال مهم می‌شویم، و آن اینکه هدایت و مکاشفه من ممکن است با هدایت و مکاشفه دیگری متفاوت باشد! برای همین است که در دنیای پروتستان شاهد بروز این همه تفاوت‌ها در درک کتابمقدس هستیم، تفاوت‌هایی که منجر به پیدایی فرقه‌ها و کلیساهای جدید، و نیز بروز جدایی‌ها و تفرقه‌ها شده است. همه اینها ناشی از عدم آگاهی از اصول درست تفسیر کتابمقدس می‌باشد. آگاهی خادمین از این اصول بدون شک میزان این تفاوت‌ها و اختلاف‌ها کاهش خواهد یافت. پس چه باید کرد؟

## چند نمونه از مشکلات!

حال، برای اینکه روشن شود که در کنار هدایت روح القدس، نیاز به آگاهی از اصول تفسیر داریم، به چند نمونه اشاره می‌کنیم. در این نمونه‌ها، خواهید دید که درک متن کتابمقدس، بدون آگاهی از یک مجموعه از اصول بسیار دشوار و گاه غیرممکن است.

۱- کلمه! در آیه بسیار معروف یوحنا ۱:۱،

«کلمه» یعنی چه؟ چرا یوحنا در نوشته خود

(ذات الورد منحنی)

این اصطلاح را به کار برده؟ خود یوحنا وقتی این اصطلاح را تحت الهام روح القدس به کار می‌برد، چه درکی از آن داشت؟ مسیحیانی که همزمان با یوحنا می‌زیستند و یا مسیحیانی که انجیل در اصل خطاب به آنان نوشته شده بود، این اصطلاح را چگونه درک می‌کردند؟ این اصطلاح چه مفهومی برای آنان داشت؟ ما امروز برای درک معنی این اصطلاح چه باید بکنیم؟ آیا فقط دعا کافی است؟ آیا هدایت یا مکاشفه شخصی ما معتبر است؟ اگر هست، آیا این امکان نیست که شخصی دیگر، به گونه‌ای دیگر هدایت شود؟ یا اینکه اساساً باید گام دیگری برای کشف معنی اولیه این اصطلاح برداشت؟ اگر باید برداریم، این گام چیست؟

**۲- مهیرشلال حاش‌بز!** معنی عبارت «مهیرشلال حاش‌بز» در اشعیا ۱:۸ چیست؟ آیا معنی این عبارت عبری را روح القدس باید مکشوف کند، یا کار دیگری باید انجام داد؟ آیا آنچه را که خودمان می‌توانیم انجام دهیم، باید بر دوش روح القدس بیندازیم؟ آیا نمی‌توانیم به یک فرهنگ کتاب مقدس مراجعه کنیم و معنی این لغت را بیابیم؟

**۳- اصطلاحات دشوار روحانی.** اصطلاح‌های «مسکین در روح»، «حلیم»، یا «پاک دل» در متی ۵:۳-۸ چیست؟ حلیم چه کسی است؟ آیا کسی که صبور است؟ یا مثلاً «پاک دل» کسی است که از نظر اخلاقیات جنسی پاک است؟ یا کسی است که انگیزه‌هایش در روابطش با مردم پاک و بی‌غل و غش می‌باشد؟ یا هر دو؟ از کجا می‌دانیم؟ آیا فقط به خاطر اینکه احساس خاصی با خواندن این آیات به ما دست می‌دهد؟ یا به خاطر اینکه در زبان فارسی، این اصطلاحات معنی خاصی را به ذهن می‌آورند؟

**۴- مجموعه آیه‌های دشوار!** اگر از سطح کلمات و اصطلاحات فراتر برویم، به برخی آیات برمی‌خوریم که درک و تفسیر آنها بسیار دشوار است؛ یکی از نمونه‌های بارز این امر، اول یوحنا ۵:۶-۸ است. از متن یونانی نمی‌دانیم مقصود یوحنا از این جملات را درک کنیم! پس چه باید کرد؟

### حالا آیات دشوار‌ترا!

**۵- مسأله زنان!** پولس رسول در اول قرن‌تین ۱۴:۳۴ و ۳۵ می‌فرماید: «و زنان شما در کلیساها خاموش باشند، زیرا که ایشان را حرف زدن جایز نیست، بلکه اطاعت نمودن، چنانکه تورات نیز می‌گوید. اما اگر می‌خواهند چیزی بیاموزند، در خانه از شوهران خود بپرسند، چون زنان را در کلیسا حرف زدن قبیح است.» بعضی از کلیساها با استناد به این آیات، معتقدند که زنان نباید در کلیسا خدمت تعلیم داشته باشند؛ یا اگر لازم است که تعلیم دهند، فقط باید به زنها تعلیم دهند. اما سایر مسیحیان، به فرمایش پولس در همان رساله در ۱۱:۳-۱۶ اشاره می‌کنند، جایی که پولس می‌فرماید که اگر زنی ایماندار می‌خواهد در کلیسا دعا یا نبوت کند، باید سر خود را بپوشاند و بعد، به دعا و نبوت بپردازند. طبق این آیات، زن مجاز است در کلیسا «دعا و نبوت» کند؛ یکی از معانی مهم نبوت کردن در عهدجدید، آوردن پیامی است برای کلیسا از طرف خدا؛ این کار چیزی شبیه موعظه یا تعلیم است، اما موعظه یا تعلیمی که تحت هدایت روح القدس باشد. این دسته از مسیحیان با استناد به این آیات، معتقدند که زن می‌تواند در کلیسا دعا کند و تعلیم دهد؛ و دستورالعملی که در اول قرن‌تین ۱۴:۳۴-۳۵ آمده، مربوط به شرایطی خاص یا زنان بی‌سوادی است که با حرف زدن‌های بی‌موقع خود در کلیسا ایجاد اغتشاش می‌کردند. حال، کدام تفسیر درست است؟

**۶- باز هم مسأله زنان!** در اول تیموتاؤس ۲:۱۲، پولس رسول می‌فرماید: «زن با سکوت، به کمال اطاعت تعلیم گیرد. و زن را اجازت نمی‌دهم که تعلیم دهد یا بر شوهر مسلط شود، بلکه در سکوت بماند... اما به زاییدن رستگار خواهند شد، اگر در ایمان و محبت و قدوسیت و تقوی بمانند.» بعضی از مسیحیان معتقدند که طبق این آیات، زن نه فقط در کلیسا، بلکه در خانه نیز اجازه تعلیم ندارد. نقش زن فقط این است که کدبانو باشد و صاحب فرزند گردد تا از اینراه به رستگاری برسد. اما دسته‌ای دیگر از مسیحیان، این تعلیم پولس را یا به فرهنگ روزگار او متعلق می‌دانند، یا به شرایط خاصی که ما امروزه از آن بی‌اطلاعم. ایشان به سایر بخشهای کتابمقدس اشاره می‌کنند که در آنها به روشنی ذکر شده که زنان تعلیم می‌داده‌اند، حتی به مردان، نظیر اکیلا و پرسکلا، که گویا نقش اول را در تعلیم دادن به اپلس را همین پرسکلا که زن بود، بر عهده داشته است. یا به دبوره اشاره می‌کنند، که هم نبیه بود و هم رهبر قوم اسرائیل! حال، کدام درست است؟

**۷- تعمید به روح القدس!** و اما موضوع بحث‌انگیز تعمید روح القدس! همه کلیساها، از کاتولیک گرفته تا پروتستان معتقدند که همه مسیحیان باید تعمید روح القدس را بیابند. اختلاف نظر فقط بر سر دو نکته است: یکی اینکه شخص در چه زمانی تعمید روح القدس را دریافت می‌کند؟ دیگر اینکه نشانه تعمید روح القدس چیست؟ اکثریت مسیحیان معتقدند که شخص در همان لحظه که به مسیح ایمان می‌آورد و تولد تازه پیدا می‌کند، به روح القدس تعمید می‌یابد. گروه دیگری از مسیحیان معتقدند که تعمید به روح القدس تجربه‌ای است متمایز از ایمان آوردن و تولد تازه، و طبق باب‌های ۲، ۱۰، و (دنباله در صفحه ۸)

# «وقت را دریابید!»

## به قلم فریبرز نیکوروش

انگلیسی به نقاط مختلف اروپا، به تدریج تقویم کلیسایی آنها در میان کلیساها و دیرهای مسیحیان متداول شد. و بالاخره در هزاره اول میلادی تقریباً اکثر کلیساها تقویم جدید را قبول کردند. (ولی هنوز که هنوز است، کلیسای ارتدکس اتیوپی تسلیم این تقویم نشده است!) در کشور خودمان نیز، زمانی تقویم ما بر

اساس هجری قمری بود؛ و بعد تبدیل به هجری شمسی شد، و اول سال به جای محرم، اول فروردین گردید. بعد از مدتی، مبدأ تاریخمان شد آغاز سلطنت یا تاجگذاری کوروش هخامنشی؛ پس از یکی دو سال، تقویمان به هجری شمسی بازگشت. نتیجه این شد که کلاس تاریخ گنج کننده ترین کلاس دوران تحصیلی ام شده بود. معلمها از بچه های بیچاره توقع داشتند که در آن واحد سه نوع تاریخ را از حفظ کنند، چون بعضی از وقایع هجری قمری بود، لشکرکشی یک پادشاهی به هجری شمسی، و اقدام فلان سیاستمدار به تاریخ میلادی!

## زمان چیست

با وجود تمام این حسابها و شمارشها، یک سوال همیشه بی جواب می ماند: وقت چیست؟ زمان کدام است؟ تعریف می کنند که آلبرت انشتین در سالهای آخر عمرش در نیویورک به سر می برد. یک روز پائیزی، در پارک نشسته بود که رفتگر پارک نزدیک آمد و از او سوال کرد: (ادامه در صفحه بعد)

نوعی این تغییرات را ثبت کرده، آنها را مورد اندازه گیری قرار دهد. پس ذهن انسانی ما، شبانه روز را به ۲۴ ساعت تقسیم کرد و فصول مختلف را نامگذاری نمود و ساعت را به ۶۰ دقیقه قطعه قطعه کرد و از سر دقیقه و ثانیه هم گذشت و آنها را هم قلیه قورمه کرده است.

## تقویم مسیحی

کلیسای مسیح سالها کاری به کار تقویم نداشت. کلیسای شرق از تقویم یهودیان پیروی می کرد و کلیسای روم هم با کمال میل مبدأ تاریخ رومی را که بر اساس بنای شهر روم قرار داشت، پذیرفته بود. ولی در قرن ششم یک راهب گمنام به نام «دیونیسوس اگزیگیوس» (Dionisius Exiguus) مبدأ تاریخ را بر اساس زمان تولد مسیح قرار داد و به این ترتیب تاریخ را به دو قسمت پیش و پس از میلاد مسیح تقسیم کرد.

باید دانست که کلیسای آن زمان از این ابداع آقای دیونیسوس استقبال چندانی نکرد. ولی ظاهراً شاگردان او در انگلیس و در میان راهبان انگلیس نفوذ داشتند. به همین خاطر بود که در حدود سال ۶۶۴ در شهر Whitby انگلیس، راهبان مسیحی آن منطقه، نقطه عطف تاریخ را بر مبنای تولد عیسی مسیح قرار دادند. ولی حدود سیصد سال دیگر طول کشید که کلیسای اروپا رویه قدیمی خود را عوض کند. قضیه از این قرار بود که به خاطر سفرهای بشارتی راهبان

## بحران ۲۰۰۰!

بی شک همه شما با بحران Y2K (سال ۲۰۰۰) آشنایی دارید. ممکن است که خود شما و کلیسایتان، در میان امواج بحر پر تلاطم واژه ها و اصطلاحات فنی مربوط به کامپیوتر گیر کرده بودید و شاید هم هر وقت که فلان واعظ معروف و یا گمنام درباره دیوشوم Y2K سخن می گفت و با استناد به معضلات کامپیوتر، پایان این جهان را پیش بینی می کرد، مثل بنده سری تکان می دادید. هیچ فراموش نمی کنم سال تحویل را و اینکه هیچ اتفاق خاصی نیافتد، گن فیکون نشد و دنیا به پایان نرسید و مسیح هم ظهور نکرد! و الان آن حضراتی که با متمسک شدن به این فاجعه احتمالی، کلی پول به جیب زده اند، دارند به ریش افراد ساده و زودباور می خندند.

خدا را شکر که اتفاق وحشتناک و بدی نیفتاد. ولی جا دارد که اینک پس از چند هفته ای که از آغاز سال دو هزار می گذرد، کمی درباره «زمان» و «گذشت زمان» تفکر کنیم. سال دو هزار یا ۱۳۷۸ شمسی و یا روز و ساعت و دقیقه و ثانیه و غیره به خودی خود، بیانگر زمان به معنی فلسفی آن نمی باشند. بلکه اینها صرفاً وسایل اندازه گیری تجربه انسانها از وقت و زمان هستند.

## اندازه گیری زمان

حرکات منظم و متوالی خورشید و ماه، روز و شب و تکرار منظم فصلها بشر را واداشت که به

«ساعت چند است؟» (ترجمه تحت‌اللفظی جمله انگلیسی به این صورت است: «زمان چیست؟») انشتین متفکرانه به مرد رفتگر جواب داد: «من تمام عمرم را صرف درک این مطلب کرده‌ام و نمی‌توانم جواب این سوال را در یک جمله ارائه کنم!» مرد رفتگر، در پی دانستن «ساعت» بود، و فکر انشتین در «زمان» سیر می‌کرد. دانستن این تفاوت بسیار مهم است. ما زمان را اندازه می‌گیریم و آن را به قطعات مختلف تقسیم می‌کنیم. از گذر آن می‌نالیم و دلمان می‌خواهد که «زمان انتظار کوتاه شود» و «روزگار خوشی به درازا بکشد».

## تفاوت وقت و زمان

مسئله در اینجا است که ما همیشه تفاوت میان «وقت» و «زمان» را درک نمی‌کنیم. باید دانست که در رابطه با زمان و تفکر در پیرامون آن، دو معیار مختلف وجود دارد. یکی را با وسیله ساعت و تقویم و روز شمار و سال‌شمار اندازه می‌گیریم. در میان متفکرین یونان باستان این زمان «کرونوس» (Chronos) نامیده می‌شد (کلمه کورنومتر از همین واژه می‌آید). ولی یک نوع زمان دیگر نیز وجود دارد. این زمان، اوقات خوش یا بد، موافق و ناموافق، زمان برکت و لعنت است که آن را نمی‌شود به طور خطی و با ساعت و تقویم اندازه گرفت. یونانیان باستان این «وقت» را «کایروس» (kairos) می‌نامیدند.

پس گرچه لوقا زمان تولد عیسی را به وسیله کرونوس اندازه می‌گیرد: «در آن ایام ... اوغسطس قیصر بود ... و کیرینیوس والی سوریه بود» (لوقا ۲: ۱-۲)، اما پولس رسول در غلاطیان ۴: ۴ آن را با کایروس اندازه‌گیری می‌کند و می‌گوید: «لیکن چون زمان به کمال رسید (نه در سر ساعت معین، بلکه در وقت و کایروس مناسب) خدا بسر

خود را فرستاد.»

## در چه کایروسی زندگی می‌کنید

دقیقاً به‌خاطر وجود این دو نوع زمان است که ما مسیحیان بایستی با توجه به هر دو این اینها «وقت و زمان» زندگی کنیم. از این جهت است که پولس رسول پس از بحث در باره کلیسا و کار بزرگ مسیح، ایمانداران افسس را به پُر شدن از روح القدس دعوت کرده، در بابهای ۴ و ۵ اصول زندگی روحانی مسیحی را برشمرده، می‌گوید: «وقت را دریابید». منظور پولس این نیست که تقویمتان را نگاه کنید یا ساعتتان را با وقت گرینیچ لندن تنظیم کنید. بلکه منظورش این است که دریابید که در چه مقطعی از تاریخ، در چه کایروسی زندگی می‌کنید.

درک رابطه میان وقت و زمان، وجه مشخصه میان یک مسیحی آگاه و یک فرد بی‌ایمان است. آنچه به زندگی ما مسیحیان معنی می‌بخشد، دانستن این حقیقت است که زندگی ما تسلسلی باطل از تکرار مکررات و تکرار اباطیل نیست. درک رابطه نزدیک میان این دو باعث می‌شود که فلسفه تاریخ ما، «خدا-مرکز» و «نجات-مرکز» بشود. «اینک امروز روز نجات است».

## معنی زندگی و مسئله زمان

فلسفه حاکم بر روزگار ما اگزیستانسیالیسم و حتی پس-مدرنیسم است. در این دو جهان بینی، کایروس بی‌معنی شده است. ولی از آنجا که خدا ما انسانها را به صورت خویش آفریده است، برای همین ما همیشه در پی معنی هستیم. آنچه که به زندگی ما معنی می‌بخشد، درک رابطه میان این دو روش اندازه‌گیری و تفکر در رابطه با زمان می‌باشد. الان ساعت ۴ بعد از ظهر یک روز زمستانی در سال ۲۰۰۰ است، ولی در عین حال،

امروز روزی است در عصر نجات خداوند؛ اینک ما وارد آرامی و شبات خداوند شده‌ایم.

سلیمان اولین (یا حد اقل قدیمی‌ترین) اگزیستانسیالیست کتابمقدس می‌باشد. او در کتاب جامعه، بارها با مسئله معنی و یافتن معنی کلنجار می‌رود. او در پی یافتن معنی در زیر آسمان (زندگی با تکیه بر یافته‌های علوم تجربی و بدون تکیه بر آگاهی مکشوف شده از سوی خدا) بود. او در نهایت استیصال می‌بیند که برای هر چیز در آسمان زمانی است (جامعه ۳: ۱-۸)؛ ولی این کرونوسها برایش بی‌معنی است. «پس کارکننده را از زحمتی که می‌کشد چه منفعت است؟» (جامعه ۳: ۹). اگر زمانها می‌آیند و می‌روند، کار و زحمت و جمع کردن و اندوختن، فرایندی بی‌معنی و حتی یاس‌آور است. زیرا خدا که صاحب زمانها می‌باشد، «هر چیز را در وقتش نیکو ساخته است و ابدیت را در دل‌های ایشان نهاده» است. به‌خاطر همین ابدیت در دل‌های ماست که نیازمند به دانستن کایروس می‌باشیم. جوابی که سلیمان یافت این بود که اگر نگاه خود را فقط به زیر آسمان و زیر آفتاب (دنیای طبیعی و آزمایشگاه) بدوزیم، از درک معنی زندگی عاجز خواهیم ماند. سلیمان دریافت کرده بود که زندگی بدون معنی، چه باطل است. او همچنین درک کرده بود که حکمت واقعی در ترس خداوند و نگاه داشتن اوامر او می‌باشد (جامعه ۱۳). زیرا که ترس خداوند و نگاه داشتن اوامر او باعث می‌شود که بُعد دیگر زمان (اوقات خداوند) بر ما معلوم و مکشوف گردد. تنها در آن صورت است که اگر یک کارگر شهرداری از ما سوال کند: «زمان چیست؟» خواهیم توانست با اطمینان و شادی به او جواب بدهیم: «ساعت چهار و ربع است و اینک امروز روز نجات و برکت خداوند می‌باشد»

# طرح کلی برای تهیه موعظه

از تَت استیوارت

همانطور که در شماره قبل توضیح دادیم، در هر شماره از مجله شبان، طرح کلی یک موعظه را تقدیم خادمین گرامی می‌نماییم. در این شماره، موعظه‌ای بر اساس دوم قرن‌تینان ۱۷:۵ تهیه و تقدیم شده است.

## آثار حیات

«پس اگر کسی در مسیح باشد، خلقت تازه‌ای است» (دوم قرن‌تینان ۱۷:۵)

۱: مقدمه

- نگرشی نو: اعتماد به کلام خدا به‌عنوان حقیقت محض (آیه ۱۶).
- خدمتی نو: شفا دادن روابط گسسته (آیه‌های ۱۷ تا ۱۹).
- امتیازی نو: سفیران مسیح (آیه ۲۰).

در نزدیکی ماکو، یک کلیسای ارمنی بسیار قدیمی هست، به نام «قره کلیسا». این کلیسا ساختمانی است خالی، بدون اثری از حیات. بعضی از مسیحیان نیز مانند ساختمانهای خالی هستند، بدون اثری از حیات مسیح. خوب است که ببینیم آثار و نشانه‌های حیات مسیح در ما چیست.

۳: دعوت به حیات تازه (دوم قرن‌تینان ۱۷:۵)

روزی، یک نفر در حین گفتگو با دکتر میلر (مسیسوتر سابق در ایران)، با شور و شوق زبان به تعریف و تمجید از او گشوده بود. دکتر میلر دستش را دراز کرد و چراغ رومیزی را خاموش کرد. سپس گفت: «این چراغ بدون برق به هیچ دردی نمی‌خورد. من هم مثل این چراغم؛ بدون حضور مسیح در وجودم، من هیچم!»

۲: نشانه‌های حیات تازه (دوم قرن‌تینان ۱۱:۵-۲۱)

- قلبی نو: زندگی که از محبت مسیح نیرو می‌یابد (آیه ۱۴).
- اربابی نو: زندگی که تسلیم خداوند مسیح شده (آیه ۱۵).

دنباله صفحه ۱

شما اعتماد نمی‌کنند، موعظه و شهادتتان را نیز باور نخواهند کرد.

یک روز در رستورانی نشسته بودم و سر صحبت را با شخصی که در مقابلم نشسته بود، باز کردم. خود را معرفی کردم و گفتم که شبان هستم. او گفت که قبلاً به کلیسا می‌رفته است، اما از زمانی که شبانش وعده‌ای را که به او داده بود، وفا نکرد، اعتمادش را به او و به هر شبان دیگری از دست داده است. ما گاه با گفتار خود لطماتی به دیگران وارد می‌کنیم که باید جبران‌شان بنماییم.

چگونه می‌توانیم اعتماد دیگران را جلب کنیم؟ شبان جوانی به من گفت که همسرش با او رابطه عاطفی ندارد. پرسیدم چرا. فوراً گفت که آنقدر به او وعده داده و عمل نکرده که دیگر مورد اعتمادش نیست. شاید در زندگی شما نیز کسی هست که

دیگر به شما اعتماد ندارد. چه باید کرد؟

ساده‌ترین راه این است که فوراً شخصی را که به ما اعتماد ندارد، مورد سرزنش قرار دهیم و مقصرش بدانیم. اما راه بهتر این است که علت را جویا شویم. نزد آن شخص بروید و با آندوه به او بگویید که حتماً کاری کرده‌اید که او اعتمادش را به شما از دست داده است؛ از او بخواهید که شما را ببخشد. سپس به او بگویید که انتظار ندارید که فوراً به شما اعتماد کند، تا زمانی که عملاً ببیند که قابل اعتماد هستید. بگویید که فرصت دیگری به شما بدهد تا نشان دهید که قابل اعتماد می‌باشید. سپس این گامها را بردارید:

- همیشه به وعده خود وفا کنید. اگر می‌بینید که قادر به وفای عهد نیستید، با شخص مربوطه صحبت کنید و علت را توضیح دهید.

- هیچ وقت قولی ندهید که می‌دانید از عهده‌اش بر نمی‌آیید.
  - هیچوقت اسرار مردم را به دیگران بازگو نکنید.
  - هیچوقت چیزی درباره‌ی یک مسیحی دیگر نگویند که او را در نظر دیگران کوچک کند.
- وقتی مردم ببینند که شما درستکار و راست هستید و می‌توانند به شما اعتماد کنند، در خدمت شبانی‌تان توفیقی بس فزونتر خواهید یافت. آنان مشتاق خواهند شد که مشکلاتشان را پیش شما بیاورند و دیگران را نیز نزد شما هدایت کنند.
- خصائل اخلاقی بسیار مهم است؛ خصائل نیکو دلیلی است بر درستی پیامتان. از خدا بخواهید که امروز شما را قدرت بدهد تا شخصی درست و راست باشید.

## قابل توجه خادمین گرامی

مؤسسه شالوم صدها کاست صوتی و تصویری از موعظه‌های خادمین برجسته ایرانی، جلسات تعلیمی، و سرودهای روحانی فارسی گردآوری و آماده‌ی ارسال برای مسیحیان ایرانی نموده است. جهت دریافت کاتالوگ و سفارش، با این نشانی تماس حاصل فرمایید:

SHALOM CASSETTE  
PO BOX 14  
79564 WEIL AM RHEIN  
GERMANY

(دنبالهٔ صفحه ۴)

۱۹ کتاب اعمال رسولان، تکلم به زبانها یگانه نشانهٔ آن است.

کلیساهایی که تعمیم به روح القدس را تجربه‌ای همزمان با ایمان آوردن و تولد تازه می‌دانند و تکلم به زبانها را یگانه نشانهٔ تعمیم به روح القدس نمی‌شمارند، به گونه‌های مختلف استدلال می‌کنند. گروهی از آنان معتقدند که تجربهٔ پرشکوه مسیحیان اولیه مختص همان زمان یعنی دورهٔ رسولان بود. گروهی دیگر استدلال می‌کنند که اگر تعمیم به روح القدس تجربه‌ای متمایز و مستقل از ایمان آوردن و تولد تازه بود، در عهدجدید به کرات امر می‌شد که مسیحیان همه تجربهٔ تعمیم به روح القدس را از طریق یگانه نشانه‌اش یعنی تکلم به زبانها بیابند؛ در حالیکه در هیچ جای عهدجدید چنین امری به روشنی به مسیحیان نشده؛ آنچه که در عهدجدید ثبت شده، فقط تجربه‌ای است که مسیحیان اولیه داشته‌اند، تجربه‌ای که تکرارش عیناً به همان شکل، امروزه ضروری نیست.

حال، کدام تفسیر درست است؟

۸- **مقام پطرس!** خداوند ما عیسی مسیح در متی ۱۶: ۱۸ و ۱۹ خطاب به پطرس فرمود: «و من نیز تو را می‌گویم که تویی پطرس و بر این صخره کلیسای خود را بنا می‌کنم و ابواب جهنم بر آن استیلا نخواهد یافت. و کلیدهای ملکوت آسمان را به تو می‌سپارم...» ما پروتستانها این فرمایش مسیح را به پطرس به گونه‌ای تفسیر می‌کنیم تا مقام رهبری پطرس را در جامعه اولیه مسیحیان تا حدی نادیده بگیریم. بعضی می‌گویند که این فرمایش خطاب به کلیساست، نه به شخص پطرس. دیگران می‌گویند که گرچه مسیح، شمعون را پطرس (صخره) نامید، اما وقتی فرمود «بر این صخره کلیسای خود را...»

منظورش از صخره، «ایمان» پطرس بود، نه خود او؛ یا اینکه منظورش از «صخره» خودش بوده، نه پطرس یا حتی ایمانش. عده‌ای نیز می‌گویند که کلمه «پطرس» به صخره کوچکی اشاره دارد، اما کلمه «صخره» که مسیح کلیسایش را بر آن بنا می‌کند، به «صخره‌ای بزرگ!»

اما برای کاتولیکها، مقصود این آیه بسیار روشن است؛ در آیه ۱۷، کاملاً مشخص است که عیسی چه کسی را مخاطب قرار می‌دهد: «شمعون بن یونا!» در آیه ۱۸ و ۱۹ مخاطب عیسی تغییر نمی‌کند؛ شمعون بن یونا کماکان مخاطب است. کاتولیکها هیچیک از تفسیرهای پروتستانها را در این زمینه نمی‌پذیرند و با استناد به سنت کلیسا در مورد مقام مسجلی رهبری پطرس در کلیسای اولیه، او را رهبر جهان مسیحیت می‌دانند و اسقف‌های روم را جانشینان او و صاحب همان نوع اقتدار بر کلیسا. حال، کدام تفسیر درست است؟

## نیاز قطعی به علم تفسیر!

در اینجاست که باید بپذیریم که در بسیاری از آیات، ما معنی یا بار معنی کلمات و اصطلاحات را نمی‌دانیم. در بعضی دیگر از آیات، نمی‌دانیم نویسنده دقیقاً در بارهٔ چه شرایطی سخن می‌گوید و آنچه تعلیم می‌دهد، در آن شرایط بخصوص چه مفهومی داشته است. بعضی از آیات نیز معنایی می‌دهند که با روشها یا اعتقادات کلیسای خاص ما تفاوت دارند. اینها همه باعث شده و می‌شوند که در میان مسیحیان اختلاف نظر به وجود آید. اگر درک کتابمقدس به راحتی میسر بود، یقیناً این همه فرقه‌ها و کلیساهای مختلف به وجود نمی‌آمد.

وقتی به تمام این اختلافات پی می‌بریم، و متوجه می‌شویم که بسیاری از کلیساهای صادقانه به آیه‌هایی استناد می‌کنند که

برداشتشان را تأیید می‌نمایند، این سؤال پیش می‌آید که آیا اساساً می‌توانیم کتابمقدس را درک کنیم؟

در پاسخ به این سؤال باید بگوییم که بله، تا حد بسیار زیادی می‌توانیم درک کنیم. تعلیم کتابمقدس در مورد مسائل اصلی و مهم بسیار روشن است. مسائلی نظیر شخصیت خدا، ارادهٔ او برای بشر، نقشهٔ نجات او، شخصیت مسیح، و غیره. اختلافات بیشتر در سطح برخی از جزئیات اعتقادی و عملی است که جنبه حیاتی ندارند و به نجات فرد مربوط نمی‌شوند.

## نیاز حیاتی خادمین

همهٔ اینها حاکی از آنند که خادمین نیاز دارند با دیدی بازتر به مسأله تفسیر و درک کتابمقدس بنگرند؛ نیاز دارند که برای درک و تفسیر کلام خدا با اصول و ابزارهای مناسب آشنا گردند؛ نیاز دارند علم تفسیر کتابمقدس را بیاموزند.

خادمین باید بیاموزند که معنی درست آیه‌های کتابمقدس الزاماً آن چیزی نیست که ما «احساس» می‌کنیم؛ الزاماً آن چیزی نیست که ما احساس می‌کنیم خدا در «دلمان» گذاشته است. اگر می‌شد کتابمقدس را چنین تفسیر کرد، این همه مشکل و اختلاف پیش نمی‌آمد. بله، خادمین نیاز دارند علم تفسیر را به دقت بیاموزند.

اما برای اینکه علم تفسیر را بیاموزیم، نخست باید چند نکتهٔ مقدماتی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم. مهم‌ترین اینها، ماهیت کتابمقدس است. باید نخست بدانیم که کتابی که اساس ایمان و عمل ما را تشکیل می‌دهد، چه نوع کتابی است. آگاهی از این مسأله کمک بزرگی به امر تفسیر می‌کند.

در شماره‌های بعدی، به بررسی ماهیت کتابمقدس خواهیم پرداخت.